



مدرسه علمیه عالی نواب

پایان نامه سطح سه

رشته تخصصی ادبیات عرب

عنوان:

ترجمه و تحقیق کتاب: نظریه نقد عربی، نگاه قرآنی معاصر

استاد راهنما:

جناب آقای دکتر حمید عباس زاده

استاد مشاور:

حجت الاسلام والمسلمین مهدی رضایی

تدوین گر: مهدی نظری

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تقدیم به کسی که

سال ها نخواید تا ما با خیال آسوده بخوایم

با خیال آسوده بخوانیم

و با خیال آسوده زندگی کنیم.

و حال او خفته است و ما باید بیدار باشیم تا او آسوده بخوابد.

تقدیم به شهید سرافراز و سر بلند، حاج قاسم عزیز

## تقدیر

قال رسول الله لم يشكر الله من لم يشكر الناس<sup>۱</sup>

حمد و سپاس خدای بی‌همتا که بر بنده بی‌مقدارش منت گذاشت و توفیق کسب و ترویج دین مقدس اسلام را ارزانی داشت و او را در تدوین این مجموعه به‌عنوان خدمتی ناقابل یاری نمود؛ و درود و رحمت خدا بر پیامبر گرامی اسلام صلی‌الله‌علیه و آله و سلم و ائمه اطهار علیه‌السلام که مدد و عنایت خاصه ایشان غیرقابل انکار است؛ اما بعد لازم است از استاد گران‌مایه آقای دکتر حمید عباس زاده که با علم و درایت و اندیشمندانه و صبورانه به‌عنوان استاد راهنما، حقیر را در تنظیم و تدوین این مجموعه راهنمایی و همراهی فرمودند صمیمانه تقدیر و تشکر نمایم. همچنین از استاد محترم حضرت حجة‌الاسلام والمسلمین آقای مهدی رضایی که سخاوتمندانه مشاوره پایان‌نامه را پذیرفته و حقیر را همراهی نمودند قدردانی می‌کنم. همچنین از ابوبین دلسوز و مهربان، و همسر فداکارم که مرا رهین تحمل و عطوفت خود نموده و مایه دلگرمی و امید در این راه خطیر بوده، و همه دوستانی که کمک شایانی در تکمیل این اثر داشته‌اند، تقدیر و تشکر نموده، برای همگی توفیق عمل به دستورات الهی و عاقبت بخیری از خداوند منان خواستارم.

به امید فرج حضرت بقیة‌الله‌الاعظم (عج) و سرافرازی نظام جمهوری اسلامی ایران و حسن عاقبت برای همه خدمتگزاران به دین و انقلاب اسلامی.

---

<sup>۱</sup>. ابن بابویه، محمد بن علی، روضة المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، چاپ دوم، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، قم، ۱۴۰۶ ه.ق، ج ۵، ص ۵۲۶.

## چکیده

یکی از راههای انتقال علم و فرهنگ در بین ملت های مسلمان و غیر مسلمان، بحث ترجمه می باشد که نقش اساسی و مهمی در رشد و شکوفایی علوم و فرهنگ ملل داشته است.

رساله حاضر ترجمه و تحقیق کتاب «نظریه النقد اللعربی رؤیه قرانیة معاصرة» نوشته دکتر محمد حسین علی الصغیر است که در موضوع نقد ادبی نگاشته شده است. این کتاب شامل سه فصل و یک خاتمه می باشد که در فصل اول آن نویسنده به بررسی تصویر هنری در اصطلاح منتقدان قدیم و جدید از جمله جاحظ، ابو هلال، عبد القاهر، احمد شایب، جابر عصفور و دیگر ادباء و منتقدین، می پردازد و اهمیت آن و مقایسه بین دو دیدگاه قدیم و جدید را نیز بیان می نماید و در نهایت تعریف جامعی را از تصویر هنری ارائه می کند. در فصل دوم، به بررسی بین لفظ و معنی از زوایای مختلف پرداخته و اقوال و جدال منتقدین را مانند جاحظ که جانب داری از لفظ می کند و ابن قتیبه که قائل به جمع بین لفظ و معنی است و ... در این زمینه بیان می کند. در فصل سوم هم به دلالت الفاظ و اقسام آن که به آوایی، اجتماعی، الهامی و حاشیه ای تقسیم می شود، پرداخته شده است و هر یک از این اقسام را به آیاتی از کلام وحی مزین و شرح می دهد.

در این نوشتار همت بر این است که با توجه به ترجمه دقیق مباحث کتاب، تحقیقی متنی نیز در ادامه مباحث کتاب از شخصیت ها و مطالب، نگاشته شده تا راهنمایی و پیشرفت پژوهشگران این رشته موجب شود. مطالب پایان نامه طبق فهرست و مسائل کتاب در سه فصل و خاتمه نوشته شده که اول مطالب کتاب و در ادامه موضوعات تحقیقی بیان می شود.

## واژگان کلیدی:

نقد ادبی، تصویر هنری، لفظ، معنی، عبد القاهر، دلالت،

## فهرست مطالب

.....	مقدمه
.....	پیشگفتار
.....	فصل اول
.....	اصطلاح تصویر هنری
.....	۱- اهمیت تصویر هنری
.....	۲- تصویر در اصطلاح منتقدان قدیم
.....	۳- تصویر نزد منتقدین جدید
.....	۴- مقایسه و تعریف
.....	تحقیقات
.....	تحقیق ۱: کلیات نقد ادبی
.....	تعریف نقد ادبی
.....	ضرورت نقد ادبی
.....	کارکرد نقد (وظیفه)
.....	انواع نقد ادبی
.....	۱- نقد لغوی
.....	۲- نقد فنی
.....	۳- نقد زیبایی شناسی
.....	۵- نقد اجتماعی

..... ۶- نقد تاریخی:.....

..... ۷- نقد روانشناسی:.....

..... سیر تطور.....

..... نقد ادبی در ادبیات عرب.....

..... نقد ادبی در دوره جاهلی.....

..... نقد ادبی در عصر اموی.....

..... نقد ادبی در عصر عباسی.....

..... نقد ادبی معاصر عرب.....

..... تحقیق ۲: تخیل و تصویر.....

..... فصل دوم.....

..... موضوع لفظ و معنی.....

..... ابعاد جدال نقدی.....

..... ۱. گروه اول.....

..... ۲. گروه دوم.....

..... ۳- گروه سوم.....

..... ۴- دسته چهارم.....

..... تحقیقات.....

..... تحقیق ۱: نظریه نظم جاحظ.....

..... تحقیق ۲: نظریه ی نظم عبدالقاهر جرجانی.....

..... تحقیق ۳: احمد شایب.....

تحقیق ۴: بدوی طبانه.....

تحقیق ۵: بروکس، کلینت (۱۹۰۶-۱۹۹۴).....

فصل سوم.....

دلالت الفاظ.....

انواع دلالت.....

دلالت آوایی:.....

۲. دلالت اجتماعی:.....

۳- دلالت الهامی:.....

۴- دلالت حاشیه ای:.....

پایان گفتار.....

تحقیقات.....

تحقیق ۲: کنایه و تعریض.....

تعریض.....

کنایه.....

فرق بین کنایه و تعریض.....

تحقیق ۳: مثل.....

تمثیل.....

از دیدگاه موضوعی و تاریخی.....

تفاوت ارسال مثل با تمثیل.....



تحقیق ۴: سید مرتضی علم الهدی .....

معرفی اجمالی .....

زندگی نامه .....

از دیدگاه اهل سنت .....

دوره علمی علم الهدی .....

اساتید .....

شاگردان .....

ثمرات علمی .....

آثار علمی .....

وفات .....

منابع .....

تحقیق ۵: زرکشی .....

تحقیق ۶: ذو الرمة .....

تحقیق ۷: ابن شبرمه .....

تحقیق ۸: خطابی: .....

نظرات ویژه خطابی در باب اعجاز: .....

تحقیق ۹: ابن زملکانی .....

تحقیق ۱۰: عائشه عبد الرحمان .....

المصادر و المراجع .....

لذت خواندن یک اثر ادبی زمانی است که آن اثر دارای حیات و طراوت باشد و حیات و پویایی آن هم زمانی است که از گذرگاه سنجش و نقد عبور کرده باشد و از ناخالصی ها دور شده باشد، همچون طلا وقتی ناب می شود که به واسطه حرارت از دل خاک و سنگ ها جدا شود.

اگر بخواهیم یک جامعه علمی را بدون نقد تصور کنیم، انتظار پیشرفت آن را هم باید از خود دور کنیم. نقد ادبی با بررسی همه جانبه یک اثر ادبی نه فقط شکل ظاهری بلکه با پرداختن به معنی و مضمون یک اثر، هدف و غرض شاعر یا نویسنده را بیان می کند. ناقد همراه با خلاقیت مانع گزافه گویی و بی ارزش بودن اثر ادبی می شود و این تنها با ذوق و دانستن ادبیات و نظریه ادبی صرف نیست بلکه گاهی طبق نظریه های فلسفی و زبانشناسی و ... است.

نقد همان کوره آتشی است که باعث ارزش طلا می شود. لذا نقد باعث پویایی و شکوفایی و شهرت اثر خواهد شد و جامعه را در همه زمینه های علمی گسترش خواهد داد.

در این نوشتار هم نگاهی گذرا و مختصر به بحث نقد در سه فصل دارد. در فصل اول به بررسی اهمیت تصویر و دیدگاه منتقدان قدیم و جدید از جمله: جاحظ، ابو هلال، عبد القاهر، احمد شایب، جابر احمد عصفور و ... و مقایسه دو دیدگاه دارد و ارائه تعریف جامع. در فصل دوم، لفظ و معنی را از زاویای مختلف بیان کرده، اقوال و جدال منتقدان را در آن بیان می کند، کسانی که قائل به لفظ یا معنی یا هر دو اند. در فصل سوم به دلالت الفاظ و اقسام آن که به آوایی، اجتماعی، الهامی و ضمنی است، می پردازد و هر یک را با آیات کریمه قرآن تطبیق می دهد.

این اثر که در زمینه نقد ادبی نوشته شده، نسبت به دیگر آثار مختصر می باشد و در بررسی و تطبیق مباحث از آیات متعدد بهره برده است. اما در عین حال عیوبی نیز دارد از جمله:

۱. نویسنده در دو جای این کتاب بر طبل عربت زده و بحث قومیت و نژاد را پیش می کشد که این در چنین نوشتار علمی و آن هم در زمینه نقد، دور از انصاف است. این در حالی است که نمی توان نقش دیگر اقوام و ملل را در این زمینه نادیده گرفت:

الف) هی خلاصه ما توصل إليه الفكر النقدي عند العرب و فی أوروبا قديماً و حديثاً. فهي محاور ثلاثة متأصلة يبدو لي سبق العرب في التوصل إليها، و إرساء قواعدها في ضوء القرآن الكريم. (ص ۶ مقدمه)

ب) و عليه فالصورة الفنية جزء لا يتجزأ من حضارة الأمة العربية في القرنين الرابع و الخامس قبل الهجرة، قبل أن تستحدث دلالتها المعاصرة عند الأوروبيين بعدة قرون. (ص ۲۳)

۲. گاهی اوقات نویسنده قسمتی از نقل قول ها را حذف کرده که این باعث غموض در امر ترجمه شده. مانند حذف قسمتی از عبارت ابو هلال از «الصناعتین» ص ۲۸ کتاب:

الكلام- أيدك الله- يحسن بسلاسته، و سهولته، و نصاعته، و تخير لفظه، و إصابه معناه، و جودة مطالعه، و لين مقاطعه، و استواء تقاسيمه، و تعادل أطرافه، و تشابه «۱» أعجازه بهواديه «۲»، و موافقه مآخيره لمباديه، مع قلة ضروراته، بل عدمها أصلا، حتى لا يكون لها في الألفاظ أثر؛ فتجد المنظوم مثل المنثور في سهوله مطالعه، و جودة مقطعه، و حسن رصفه و تأليفه؛ و كمال صوغه و ...  
عبارت «مع قلة ضروراته، بل عدمها أصلا» حذف شده است.

۳. اشتباه تاپی در برخی از صفحه ها از جمله:

الف) صفحه ۴۸ عبارت «شده أسره» را بیان کرده که صحیح آن با توجه به ما قبل «شده أزرعه» می باشد.  
ب) در پاورقی ۲ ص ۶۲ نام کتاب ابن ناکیا را که «الجمان فی التشبهات القران» است را بنام «الجمال ...» نوشته شده است.

ج) در ص ۶۴ پاراگراف سوم در عبارت «فكلما صادقوا منه فرص انتهزوا و ليس ...» کلمه فرص به صورت جمع نوشته شده که باید «فرصة» باشد.

۴. آیات شریفه را به صورت کامل بیان نشده است

### پیشگفتار

وظیفه نقد ادبی در شعر یا نثر، توجه به تشخیص کلام متمایز و محکم از نا مطلوب است. و اثر ادبی، گستره و زمینه ای است که هنر نقد به آن می پردازد. و ناقد منصف کسی است که عرضه می کند در مقام داوری این متن و حکم می کند بر نیکی یا بدی آن متن. لذا نه داوری او خودسرانه است و نه ارزیابی او اختیاری است. بلکه او متن را منحصر با معیارها و ملاک هایی می سنجد که ضامن اصالت و انصاف است.

متن ادبی عبارت از لفظ و معنی است. و برخی ناقدان نسبت به لفظ تعصب ورزیده اند و برخی دیگر جانب معنی را برتر دانسته اند. و برخی هر دو را وانهاده اند و به پیوند میان لفظ و معنی که همان صورت است، باور دارند. گروهی موضوع دلالت الفاظ در پرتوی معانی را به بحث گذاشته اند. این همه، به انگیزه ارزیابی متن ادبی و مقایسه و سنجش هنر گفتار است.

این دیدگاه‌های مختلف زمینه‌های مختلف برای پیدایش آراء و نظرگاه‌های دانشمندان عرب و مسلمان در نقد شد. و در پی آن انبوهی از مکاتب نقدی پدید آمدند که گاه متعهد و گاه افراطی و گاهی دیگر میانه بودند.

این تنوع و تعدد دیدگاهها، به تعدد و تنوع مکاتب نقد قدیم و جدید شد. با نگاهی دقیق به موضوع نقد، دریافتیم متن ادبی یا تحت تاثیر تصاویر هنری است و یا واژگانی خوش ساخت و معانی دقیق دارد، که به هریک از آن دو فصل مستقل و ویژه اختصاص داده ایم، و یا اینکه متن بر دلالت واژگان و معانی آنها استوار است، در پرتو آن فصل دلالت الفاظ پدید آمد. بدین روی این بحث سه فصل دارد که نمایان گر نخستین بارقه‌ها و جلوه‌های نقد عربی هستند.

#### ۱- اصطلاح تصویر هنری

#### ۲- مسئله لفظ و معنی

#### ۳- دلالت الفاظ

فصل نخست، به موضوع تصویر نزد ناقدان قدیم و جدید عرب پرداخته و آن را با دیدگاههای غربی‌ها اعم از اروپاییان و خاورشناسان مقایسه کرده است. نتیجه این فصل آن است که تصویر جزئی جدایی‌ناپذیر از تمدن قوم عرب است. در روزگاری که مردمانی از مغرب و مشرق زمین در شهرهای بزرگ عربی حوالی سده پنجم هجری همچون، قاهره، قیروان (شهری در شمال تونس)، اشبیلیه (سویای امروز)، غرناطه (گرانادا: شهری در جنوب اسپانیا)، بغداد، بصره، کوفه، موصل و دمشق، به تحصیل و علم‌اندوزی مشغول بودند.

و همچنین به ابعاد گوناگون مسئله لفظ و معنی نزد منتقدین قدیم و جدید عرب و اروپایی، پرداخته شد. و در نهایت مواردی که از نتایج این موضوع بدست می‌آید، و بحث و بررسی در نهایت بدان جا رسید که لفظ و معنی در یک چهارچوب متمایز منسجم، یک پارچه و متحدند.

در ادامه نویسنده اقسام دلالت الفاظ را بررسی نمود و هنگام تطبیق با آیات قران کریم، نمونه‌ها و مثال‌هایی ویژه را برشمرد و مثال‌های قرانی به طور خاص با تکیه بر برداشت‌های شخصی نویسنده از رساله اش موسوم به «الصوره الفنیه فی المثل القرانی: درسه نقدیه و بلاغیه» انتخاب شد، و نویسنده دیدگاههای

معاصری را به این پژوهش افزوده که با اندیشه معنا شناختی زبانی نزد اروپاییان فاصله دارد. این دیدگاهها با نظر اروپایی ها تفاوتی فاحش دارند همراه با طرح های معاصری که دور از فهم معنای لغوی نزد اروپاییان است. چرا که تنها به مسئله زبان شناختی ارتباط دارد نه نظریه نقد ادبی مورد بحث.

این بحث ها افزون بر اختصار و کوتاهی از چنان دقت، جامعیت و نوآوری برخوردارند که در آینده زندگی علمی دستمایه پژوهش های دانشگاهی خواهد بود. و یکی از اهداف پژوهش های پیشروی اکادمیک به کمک آن محقق خواهد شد. خصوصا اینکه این مباحث، عصاره و یافته های اندیشه نقدی نزد عرب ها و اروپاییان قدیم و جدید است. چنین به نظر می رسد که عربها در رسیدن به این محور های سه گانه کهن و ریشه دار و پی افکندن شالوده ای آن در پرتوی قران کریم بر همگان پیشی گرفته اند.<sup>۲</sup>

---

<sup>۲</sup> . پیشی جستن قوم عرب بر همگان ادعایی است خلاف واقعیت و حقیقت تاریخی. شایسته بود نویسنده محترم به دور از نگاه قومی و نژادی ضمن بر

شمردن نقش دیگر ملل و اقوام در پیشبرد علم و دانش و معرفت، عرب ها را در کنار آنها و سهیم با دیگران می دید، نه پیشتاز و کاروان سالار علم.

## فصل اول

### اصطلاح تصویر هنری

۱- اهمیت تصویر هنری

۲- تصویر در اصطلاح منتقدین قدیم

۳- تصویر از دیدگاه منتقدان جدید

۴- مقایسه و تعریف

## ۱- اهمیت تصویر هنری

اهمیت تصویر هنری از رهگذر دعوای ناقدان و بلاغت دانان بر سر جدایی بین لفظ و معنی، روشن می شود. لفظ، ساختار شکلی و بافت ترکیبی در اثر ادبی است و معنی، تنها اندیشه یا پیام انتزاعی است که غرض را بیان می کند.

این جدایی موجب یک تقسیم آشکار در متن ادبی شده است و به متن دو دلالت داده است: بیرونی مرتبط با شکل و درونی همراه با مضمون.

و شاید عامل دامن زدن به این جدایی فهم مذهب معتزله از متن قران کریم باشد. این متن مقدس دو بعدی است: بعد اول، در فن گفتار نمایان می شود. که دلالت های حسی آن از لفظ نشأت میگیرند و در قالب تعابیر مجازی و آرایه های بدیعی متنوع سامان می یابد. بعد دوم، به کمک معنای ذهنی و انتزاعی نمایان می شود. گیرنده (مخاطب) از طریق معنای این الفاظ در صدد به چنگ آوردن معنا در ذهن خود است. - بنابراین - لفظ و معنی، دو پدیده مستقل هستند. [معتزله این دیدگاه را مطرح کردند] تا به این برسند که شکل ها عارضی و متغیرند. بنابراین حادث هستند و قران کریم به دلیل اتصالش به ذات پاک آفریدگار، تنها معناست، و ذات خداوند قدیم است در نتیجه قران قدیم نیست زیرا قدیم بودن قران خلاف ذات باری تعالی است.<sup>۳</sup>، در حقیقت قران آفریده و ساخته دست پروردگار است بنابراین حادث است. نتیجه آن است که، لفظ و معنی در قران حادث اند و با قِدَم هیچ پیوند و رابطه ای ندارند. این موضوع گاه سر آغار و بهانه بحث درباره الفاظ بود و گاه درباره معانی. سپس این اندیشه بیش از پیش نرج گرفت. و چند نکته، آن را دامن زد که عبارت بودند از اعتقاد به اعجاز قران و پرسش هایی از این قبیل که این اعجاز در کجا نهفته است؟ در لفظ قران یا معنای آن و یا در پیوند میان لفظ و معنای آن؟

عبد القاهر جرجانی - از بزرگان مذهب اشعری - قائل به رابطه بین لفظ و معنا است. و از این رو لفظ را در یک قالب جدا آورده و معنا را به صورت انتزاعی و ذهنی مطرح کرده و آن دو را با فرایند اعجاز، از طریق نظم و حسن تالیف با هم پیوند داد. گویا او نه تلویحا بلکه تصریح می کند که معانی در جان و دل گوینده بر الفاظ مقدم اند.<sup>۴</sup>

<sup>۳</sup> - ظ: تفصیل مطلب در: محمد عبد الهادی أبو ریده، نصوص فلسفی عربی، ۲۱-۲۳، علی سامی النشار، شکل گرفتن تفکر فلسفی در اسلام، ۱۴۲، جابر عصفور، ساختار هنری، ۳۸۲

<sup>۴</sup> - ظ: توضیح در مورد این مؤلف: ساختار ادبی در شعر اموی: کارزار بین لفظ و معنی: ۲۰ - ۳۵

به هر روی، این دعوا به قطع رابطه میان اندیشه و زبان انجامید و در نتیجه زبان به رزم گاهی بدل گشت که نیازمند رمزگشایی ند چنانکه عبدالقاهر هم به این موضوع اشاره کرده است:

[زبان، مانند علائم و نشانه است و نشانه و علامت بی معناست مگر اینکه شیء در بردارنده معنایی باشد که علامت برای آن قرار داده شده است.] و با این تقسیم بندی فکر انسان در تصور معانی استقلال یافت.<sup>۵</sup>

احساس نیاز به تصویر هنری از اینجا پدید آمد به این لحاظ که تصویر هنری، ابزاری است که برای بیان معانی در قالب الفاظ، شیوه خاص خود را دارد تا گیرنده (مخاطب) از متن ادبی تاثیر پذیرد در حالی که به صورت هم زمان با دو جزء آن ارتباط برقرار می کند به گونه ای که نه جدایی و شکافی میان آنهاست و نه یکی از دیگری باز شناخته می شود. در این هنگام اثر ادبی در فضایی به سر می برد که حاکی از پیوند زبان و اندیشه در یک چهارچوب است، این چهارچوب از متن و مرز بندی آن نشأت می گیرد و توجه انسان را به ویژگی بیان و سبک معنا معطوف می کند. این معنا با رشته الفاظی دارای معانی پیوند دارد و در هیچ حال از آنها جدا نمی شود. در اینجا است که گیرنده به انگیزه کشف رابطه میان زبان و پیام یا لفظ و معنی یا شکل و مضمون در پی تصویر، روانه می شود. راه کشف این روابط میان لفظ و معنی حرکت در استنباط معانی از خلال شیوه های تشبیه، استعاره، تمثیل و مجاز در پردازش معناست تا با تصویر حسی ما را به مفهوم ذهنی رهنمون شود. و از طریق پل میان ظاهر و واقع به ارزش کار ادبی پی برد و از مجاز به حقیقت و از تعبیر استعاره ای به معنای اصلی استعمالی، برسد و از تامل در مشبه به به جایگاه مشبه پی برد و از تمثیل، به کنه و حقیقت یک شیء دست بیابد. اینها همگی چرخه ای از روابط متناسب و تنگاتنگ هستند که اصول تصویر هنری مبتنی بر آنهاست.

تاثیر کشف رابطه لفظ و معنا در گیرنده (مخاطب) بستگی به کوشش ذهنی و فکری او در برداشت و دریافت تصویر است که با تامل در این ویژگی ها و امتیازات حاصل می شود.